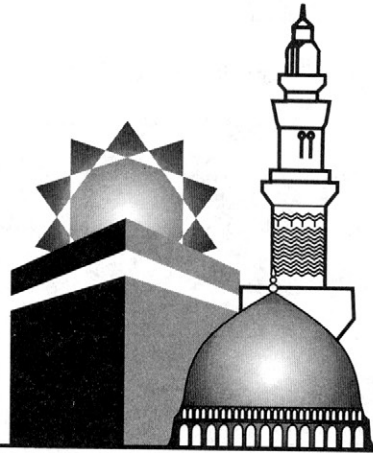


یلملم



دکتر عبدالهادی الفضلی
ترجمه: مهدی پیشوایی

بحث میقاتها و وجوب احرام از آنها، از بحثهای مهم حج و عمره است و از جهات و جوانب گوناگون در خور بحث و بررسی است، از آن جمله است شناخت دقیق موقعیت جغرافیایی آنها در گذشته و حال؛ زیرا برخی از فتاویٰ فقها در مورد میقاتها، بر این شناخت استوار است.

بحثی که مطالعه می‌کنید حاصل بررسیهای تاریخی و مشاهدات و مطالعات عینی نویسنده مقاله است در مورد وضع گذشته و موقعیت کنونی میقات یلملم که پژوهشهای جامع و گسترده نویسنده از نظر لغوی، حدیثی و فقهی بر غنا و عمق آن افزوده است.

۲- از نظر جغرافیایی.

۳- از نظر حدیثی.

۴- از نظر فقهی.

چگونگی تلفظ و ریشه واژه «یلملم»

فرهنگها و لغتنامه‌هایی که در دسترس ما است، یلملم را به سه صورت

یلملم از آثار و نشانه‌های مهم حج

است؛ زیرا از میقاتهایی است که

پیامبر اسلام -ص- برای احرام معین فرموده

است. بحث و بررسی پیرامون این میقات

مستلزم این است که درباره آن از جهاتی

بحث شود:

۱- از نظر لغوی.

کلمات چهار حرفی (رباعی) و پنج حرفی (خماسی) است؛ زیرا در این دو باب، یاء، اضافی محسوب می‌شود و حرف بعد از آن، حرف اول کلمه شمرده می‌شود.^۲

ابن فارس همچنین می‌گوید: در این باب (ثلاثی مزید فیه)، در کلماتی مانند یربوع به معنای حشره کوچک، بیرین که نام محلی است و نیز یموود و یلملم که نام دو محل است و نیز یرندج که به معنای پوستهای سیاه است و در کلماتی مانند اینها حرف یاء که در اول آنها واقع شده مانند همزه در اول کلمات چهار حرفی و پنج حرفی، اضافی است و حرف اول اصلی کلمه، حرف بعد از یاء است (همچون حرف بعد از همزه در کلمات رباعی و خماسی).^۳

از این سخنان چنین نتیجه‌گیری می‌شود که از نظر ابن فارس ریشه یلملم و ماده اصلی آن «لملم» است و یاء، در اول آن اضافه است. همچنین الف در «الملم» مبدل از یاء است و در «یرمرم» نیز یاء اضافه شده و هر دو «راء» مبدل از یاء است. استاد بستانی نیز در کتاب «محیط المحيط» در این نظریه از ازهری و ابن فارس پیروی کرده و واژه یلملم را با هر سه لهجه یاد شده، در لغت «لملم» آورده است.

۲ - ابن منظور در «لسان العرب»

(لهجه) ضبط کرده‌اند: «یللم»، «الملم»، «یرمرم». در دیداری که از آن منطقه داشتم، از افراد قبیله «فهم» که در سرزمین «وڈیان»، از توابع یلملم سکونت دارند، این سه لهجه را شنیدم: «یللم»، «الملم»، و «لملم». «همدانی» لهجه چهارمی نیز به اینها افزوده است: «لملم».^۱

اختلاف در لهجه و چگونگی تلفظ این کلمه، باعث شده است که لغت شناسان در ریشه این کلمه و ماده اصلی آن، که در لغت نامه‌ها تحت آن درج می‌شود و موقع نیاز باید به آن باب مراجعه شود، اختلاف نظر پیدا کرده، آن را به دو ریشه یاد شده در زیر برگردانند:

۱ - ازهری و ابن فارس معتقدند که این کلمه در اصل سه حرفی است (ثلاثی) که حرف «یا» به اول آن افزوده شده است. ابن فارس در باب کلمات بیش از سه حرفی (ثلاثی مزید فیه)، که حرف یاء به اول آنها اضافه شده است، می‌گوید:

۱ - «یربوع»: حشره کوچکی است که از نظر سفیدی و نرمی، انگستان زنان به آن تشبیه می‌شود ۲ - «بیرین»: نام محلی است و همچنین یموود ۳ - «یللم»...

آنگاه می‌افزاید: موقعیت یاء در اول این کلمات؛ مانند همزه اضافی در اول

موقعیت جغرافیایی یلملم

بکری می‌گوید: ألملم با فتحه حرف اول. ابوالفتح گفته است: ألملم - با فتحه حرف اول - بر وزن صمّمخّم است و از ریشه لملمت نیست؛ زیرا در اول کلمات رباعی، جز در اسم‌هایی که بر وزن افعال آنها است، مانند مُدَحِرَج، حرف اضافه و زاید نمی‌آید. برخی آن را یلملم ضبط کرده‌اند که در واقع با قول اوّل یکی است؛ زیرا یاء، مبدل از همزه است. یلملم از بزرگترین کوه‌های تهمامه به شمار می‌آید تا مکه دو شب راه است. سکنه آن قبیله کنانه است و دره‌های آن تا دریا امتداد دارد.^۴

بکری در جای دیگر می‌گوید: یلملم - با فتحه حرف اوّل و دوم - کوهی از کوه‌های تهمامه و محل سکونت بنی کنانه است که تا مکه دو شب راه است. وادی‌های آن تا دریا کشیده شده. این محل در سر راه یمن به سمت مکه است و میقات کسانی است که می‌خواهند از آن مسیر به حج مشرف شوند.

ألملم نیز گفته شده است که اصل کلمه نیز همین بوده، منتها همزه تبدیل به یاء شده است. این بحث در حرف «همزه» گذشت.^۵

همدانی گفته است: یلملم میقات

یللملم را در لغت «یللم»، یرمرم را در لغت «رمم»، ویلملم و ألملم رادر لغت «لمم» آورده است. و این نشان می‌دهد که ماده اصلی این کلمات از نظر او سه حرفی (ثلاثی) است؛ یعنی یرمرم در اصل رمم، یلملم بدون تبدیل یاء به الف، در اصل یلم و با تبدیل یاء به همزه، در اصل لمم بوده است. فیتومی نیز در کتاب «المصباح المنیر» از او پیروی کرده است با این تفاوت که وی اصل کلمه را «ألملم» با همزه دانسته و یاء را در یلملم، مبدل از همزه گرفته است و بدین ترتیب او این کلمه را از ریشه «ألم» دانسته است. مؤلف المعجم الکبیر نیز شیوه فیتومی را در پیش گرفته است. زبیدی نیز در «تاج العروس» به همین منوال، یلملم را در لغتهای: یلم، لمم و رمم ذکر کرده است.

در مورد وزن این کلمه هیچ اختلافی نیست که بر وزن «فَعْلَعَل» است؛ چنانکه ابن منظور در لسان العرب در لغت یلملم می‌نویسد: ابن بری گوید که ابو علی گفته است: یلملم بر وزن فَعْلَعَل است، «یاء، فاء الفعل»، «لام، عین الفعل» و «میم، لام الفعل» آن است.

این سخن به آن معناست که یاء در این کلمه حرف اصلی است و زاید نیست و چنانکه گذشت، عقیده ابن منظور همین است.

شکیل و امثال اینها که باعث می‌شود سیل این وادی پر آب و خطرناک گردد.

در این منطقه زمینهای قابل کشاورزی وجود دارد اما تا کنون مورد استفاده قرار نگرفته است. رستنی این محل، درخت اراک است. سکنه این محل در بخش بالای وادی؛ قبیله فهم و بقیه بنی صاهله (از تیره‌های هذیل) و در بخش پایین، قبیله مجادله (از تیره‌های بنی شعبه) هستند. بنی شعبه نیز تیره‌ای از بنی کنانه است. رودخانه‌های شمالی این منطقه از محل سکونت هذیل سرچشمه می‌گیرد.

در این محل یک مرکز اداره دولتی وجود دارد که تابع اداره دولتی شهر «لیث» است و همچنین یک بیمارستان در آنجا موجود است. مدرسه‌ای در سعدیه و مدرسه‌ای نیز در «ملاقی»؛ همانجا که اداره دولتی قرار دارد، تأسیس شده است. البته حوزه فعالیت اداره یاد شده، محدود به قبیله فهم است. اما در بخش پایین وادی، در سعدیه، اداره دولتی دیگری است که از نظر سلسله مراتب اداری، تابع شهر مکه است.^۹ «بلادی» سپس اضافه می‌کند:

یللمم که به آن الملم و مللم نیز گفته می‌شود، به معنای هر چیز مجموع و گردآوری شده است و محلی است به فاصله

اهل تهامه است و در بعضی از احادیث، الملم ذکر شده و در اول آن به جای یاء، همزه آمده است. لملم نیز گفته شده است. ۶ و ۷

یاقوت گفته است: یلملم: الملم و مللم نیز گفته شده که به معنای هر چیز مجموع و گردآوری شده می‌باشد و محلی است به فاصله دو شب راه تا مکه. اینجا میقات اهل یمن است و در آن مسجدی ساخته شده به نام مسجد معاذ بن جبل. مرزوقی گفته است: کوهی است در طائف به فاصله دو یا سه شب راه [تا مکه]. برخی گفته‌اند: دره‌ای در آن منطقه است.^۸

«بلادی» گفته است: یلملم (با یاء دو نقطه و مفتوح و با دو لام و دو میم) دره‌ای بزرگ از دره‌های حجاز در تهامه است که بلندترین سرچشمه‌های آبهای آن از کناره دره بنی سفیان، از حدود ۳۰ کیلومتری جنوب غربی طائف شروع می‌شود و سپس با شیب تند و عمیق، در میان قطعه سنگهای بزرگ کوهها به سمت غرب سرازیر می‌گردد و پس از عبور از سعدیه، میقات اهل یمن در راه تهامه که در صد کیلومتری مکه قرار دارد، در دو منزلی جنوب جده به دریا می‌ریزد. رودخانه‌های متعددی به این وادی منتهی می‌شود مانند: حُثن، وڈیان، تصیل، نُمار،

در «المصباح المنیر» در لغت ألم آمده: اللملم کوهی در تهامه است که تا مکه دو شب فاصله دارد و میقات اهل یمن است. ابن اثیر در «النهایه» آورده: یلملم میقات اهل یمن و تا مکه دو شب راه است.

زبیدی در «تاج العروس» در واژه لمم می نویسد: یلملم و ألملم و یا یرمرم؛ دومی بر این مبنا است که همزه به یاء تبدیل می شود. نام میقات اهل یمن در حج است و آن کوهی است در دو منزلی مکه که من به آنجا رفته‌ام.

از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که:

۱ - جغرافی‌دانان و لغت‌شناسان قدیم در معرفی موقعیت یلملم از روش معمول در زمان قدیم استفاده کرده‌اند که عبارت است از تعیین مسافت بین دو «منزل» با «شب». مقصودشان از منزل مکان‌هایی بوده که قافله‌ها هنگام سفر، در آنها به استراحت می‌پرداختند و مقصود از شب فاصله مکانی بین دو محل و سرزمین بوده که در یک شب می‌شد آن را طی کرد. و گاهی به یک شب، که آن را مقیاس طی مسافت قرار داده بودند، «مرحله» نیز می‌گفتند. مسافت یک شب راه با مقیاس امروز، تقریباً مساوی با ۵۰ کیلومتر یا اندکی

دو شب راه تا مکه. و در آن میقات اهل یمن است مسجد معاذ بن جبل نیز در آنجا قرار دارد.

مرزوقی گفته است: یلملم کوهی است در طائف، به فاصله دو یا سه شب راه [تامکه]. برخی گفته‌اند نام درّه‌ای در آن منطقه است.^{۱۰}

«بکری» گفته است: یلملم یکی از کوه‌های تهامه است و سکنه آن قبیله کِنانه هستند. درّه‌های آن به دریا منتهی می‌شود و در راه یمن به مکه قرار دارد و میقات کسانی است که می‌خواهند از آنجا حج انجام دهند. گاهی ألملم (باهمزه) نیز گفته می‌شود. البته در اصل با همزه بوده و همزه تبدیل به یاء شده است چنانکه در باب حرف همزه گذشت.

در «معجم الکبیر» در لغت ألملم آمده است: الملم (بر وزن فَعْلَعْل) کوهی است از کوه‌های تهامه که تا مکه دو شب راه است (حدود ۶۰ کیلومتر) و آن میقات مردم یمن و تهامه، در حج است. سکنه آن از بنی کِنانه هستند و درّه‌های آن تا دریا امتداد دارد.

در «محیط‌المحیط» در واژه لملم آمده: یلملم، یا ألملم و یا یرمرم: میقات اهل یمن است و آن کوهی است در دو منزلی مکه.

جغرافیایی یلملم دو نشانه وجود دارد:
 ۱ - سر راه یمن - مکه در تهمامه قرار دارد.

۲ - تا مکه دو شب (وبه تعبیر دیگر دو مرحله) فاصله دارد.

بازدید و مشاهدات عینی یلملم

در روز یکشنبه مورخ ۱۵/۶/۱۴۰۹ ه. ق. = ۲۷/۱/۱۹۸۹ م. به این منطقه سفر کردم تا موقعیت کنونی یلملم را از نزدیک و به صورت عینی مورد مطالعه قرار دهم. ساعت هشت بامداد، همراه دو پسر معاد و فؤاد و دو پسر عمه‌شان سید حسن و سید حسین خلیفه، با یک اتومبیل جیب تویوتا از جده حرکت کردم. از مکه به بعد از جاده ساحلی که امروز به جاده لیث و یا جاده ساحلی یمن معروف است حرکت کردیم.

مهمترین شهرهایی که در این راه قرار دارند عبارتند از: مکه مکرمه - لیث - قنفة - جیزان - حرض (که شهر مرزی بین عربستان سعودی و یمن و محل گمرک بین دو کشور است).

پس از طی ۱۰۰ کیلومتر مسافت از مکه، در سمت راست جاده، ایستگاه پمپ بنزینی قرار دارد که به پمپ بنزین «طفیل»

کمتر است؛ زیرا راه‌های قدیم از نظر پستی و بلندی متفاوت بودند.

۲ - یلملم یکی از منازل راه مکه - یمن است و تا مکه دو شب و به تعبیر دیگر دو مرحله راه است. بنا براین با مقیاس امروز تا مکه حدود ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد. در برخی از مناسک حج؛ مانند مناسک شیخ محمد طاهر خاقانی و شهید صدر و [آیت الله] سید [محمد رضا] گلپایگانی فاصله آن تا مکه ۹۴ کیلومتر معرفی شده است.

در اینجا لازم است یادآوری کنیم که از یمن به مکه سه راه به ترتیب یاد شده در زیر وجود دارد:

۱ - راه تهمامه؛ همان راهی است که از یلملم عبور می‌کند.

۲ - راه صنعا - صعده، که به ترتیب پس از عبور از بیشه، وادی تربه و قرن المنازل به مکه منتهی می‌شود.

۳ - راه حضرموت - نجران، که در قرن المنازل با راه دوم یکی می‌شود و از آن عبور می‌کند.

پس راه مورد نظر در این بحث، راه تهمامه است و منازل بین راه آن - چنانکه در مناسک حربی (ص ۶۴۳) بیان شده بدین ترتیب است: صنعا - جازان - لیث - یلملم - مکه. بنابراین برای شناخت موقعیت

آب آنها با دست، از مخزنهای حلبی که نزدیک قهوه‌خانه قرار دارد تأمین می‌شود. همچنین قهوه‌خانه‌ها و غذاخوریها و فروشگاههای متعدد مواد غذایی و حولهٔ احرام موجود است که همه به شکل محلی و ابتدایی است.

ساعت ده پیش از ظهر به ایستگاه پمپ بنزین طویل - که بیشتر یاد کردم - رسیدیم و نرسیده به مسجدی که در آن بسته بود، در قسمت چپ جادهٔ عمومی، به یک راه فرعی پیچیدیم که جادهٔ خاکی بود. البته کمی صاف و هموار کرده بودند.

در این جاده که به طرف راست می‌رفت، پیش رفتیم و پس از طی مسافت اندکی، جاده، به وادی یلملم سرازیر شد. پس از طی حدود ۲۵ کیلومتر مسافت به منطقهٔ سعدیه رسیدیم. در این منطقه در کنار راست وادی، باغی را مشاهده کردیم که متعلق به یکی از اهالی مکه بود. این مطلب را شخصی که سرگرم آبیاری باغ بود به ما گفت. در نزدیکی کنارهٔ چپ وادی چاه قدیمی و عمیقی را دیدیم که پمپ برقی بر فراز آن نصب شده بود و آب چاه را کشیده به مخزنهایی که در کنارهٔ چپ وادی نصب شده بود، منتقل می‌کرد. در داخل چاه، در جهت مخالف قبله، سنگی در نزدیکی دهانهٔ

معروف است. روبروی آن در سمت چپ جاده، مسجد تازه‌سازی است که دولت سعودی برای احرام بستن از آنجا - به این عنوان که محاذی میقات است - ساخته، اما روزی که ما به آنجا رسیدیم مسجد، متروک و در آن بسته بود؛ زیرا، از آنجا که زائران، یقین به محاذی بودن آن با میقات ندارند، از آنجا محرم نمی‌شوند.

در فاصلهٔ ۱۱۰ کیلومتری مکه باز در سمت راست جاده ایستگاه پمپ بنزین دیگری است که پمپ بنزین «مجیرمه» نامیده می‌شود و با مرکز سعدیه که اندکی بعد از این توضیح خواهیم داد، محاذی است.

در فاصلهٔ ۱۲۶ کیلومتری مکه، در سمت چپ جاده ایستگاه پمپ بنزین سوومی وجود دارد که به «ایستگاه میقات» معروف است؛ زیرا محاذی میقات یلملم است و تابلویی که در کنار جاده نصب شده آن را نشان می‌دهد. در این محل مسجدی است از خشت و گل که در این اواخر ساخته‌اند و نیز مسجدی نوساز و به سبک امروزی که دولت عربستان ساخته‌است. در این محل چند باب دستشویی و دوش نیز به منظور غسل حجاج به چشم می‌خورد که به سبک ابتدایی و از چوب عادی ساخته شده است و

چاه به دیوار آن نصب شده بود که این جمله بر روی آن نقش بسته بود: «هذا بئر العلی السلطان الهندی ذی الاجلال، محمد علی خان، رحمه الله - صلی الله علی محمد و آله - سنه ۱۲۱۱»^{۱۱}

در کناره چپ وادی، نزدیک چاه، مسجدی نوساز و همچنین یک مدرسه و یک درمانگاه وجود دارد که دولت عربستان ساخته است. همچنین یک مغازه خواروبار فروشی و یک تعمیرگاه اتومبیل در آنجا به چشم می‌خورد.

به فاصله تقریباً دو کیلومتر بعد از چاه سعیدیه، چاه دیگری است که از آن استفاده نمی‌شود. و در نزدیکی آن در کناره چپ وادی، قلعه نظامی کوچکی است که ساختار عمومی و سنگها و رنگهای کاملاً شباهت به ایستگاه قدیمی راه آهن حجاز در مدینه دارد و بر یکی از سنگهای آن این جمله نقش بسته است: «۹۹۱ محمد علی پر کسحای (?)».

در مسیر وادی، به آرامی به سمت یلملم می‌رفتیم که پس از طی اندکی مسافت، راه را گم کردیم و از وادی خارج شده در کناره آن به یک سنگلاخ رسیدیم. پس از سؤال از چوپانهای محل، راه را یافته مجدداً به وادی سرازیر شدیم و پس از طی

۲۵ کیلومتر راه از سعیدیه، به وادی رسیدیم که مرکز یلملم است. در این محل یک پمپ بنزین و تعدادی مغازه خواروبار فروشی، دو قهوه‌خانه و یک مسجد نو ساز وجود دارد که آن را دولت عربستان در سال ۱۴۰۲ هـ. ساخته است. همچنین یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه و یک اداره دولتی که در تابلوی آن نوشته شده است:

«مرکز إمارة یلملم التابعة لأماره اللیث»، «مرکز حکمرانی یلملم که تابع حکمرانی لیث است». البته لیث نیز از نظر اداری تابع مکه است.

همچنین در این محل تعمیرگاه اتومبیل، کارگاه در و پنجره سازی آهنی و یک تعمیرگاه نجاری هست. تعداد کمی نیز خانه وجود دارد که مصالح و ساخت آنها بدوی است. در جنوب شرقی این محل، کوه یلملم قرار دارد که مردم بومی، آن را یلملم و وعره^{۱۲} می‌نامند. از کوه و تأسیسات محل مانند مسجد و درمانگاه و مدرسه پسرانه عکس گرفتیم. وصول ما به این محل ساعت دوازده، نیم ساعت پیش از ظهر بود. پس از صرف نهار در یکی از آن دو غذاخوری، باز در مسیر وادی حرکت کردیم. در مسیر راه تعداد زیادی نی و درخت اراک به چشم می‌خورد. در نقطه‌ای، چشمه‌ای



یللم شروع می‌شود، ابتدا تنگ است، سپس به تدریج گسترده و پهناور می‌شود و بعد از سعدیه و اندکی پیش از جادهٔ عمومی ساحلی، به شاخه‌هایی منشعب شده، به وادیهای دیگر می‌پیوندند و همگی به دریا می‌ریزد.

۲ - قلعهٔ اسطوانه‌ای کوه یللم شباهت زیادی به قلعهٔ «جبل النور» در مکه مکرمه دارد.

۳ - نتوانستیم اثری از بقایای جادهٔ قدیمی یمن که از یللم عبور می‌کرده، ببابیم. بسیاری از جغرافی دانان و مورخان قدیم - و از آن جمله حربی در مناسک خود - از این راه یاد کرده‌اند، چنانکه پیش از این گذشت.

از کسانی که از این جاده یاد کرده، همدانی است.^{۱۳}

۴ - آثاری مشاهده کردیم که نشان می‌داد راه حجاج از سعدیه - که در فاصلهٔ ۲۵ کیلومتر در محاذات یللم قرار دارد - عبور می‌کرده است از آن جمله می‌توان از تعمیر چاه سعدیه و چاه دیگری که نزدیک آن قرار دارد و نیز از تعمیر قلعهٔ نظامی یاد کرد.

از این که حفره چاه سعدیه و قلعهٔ بعد از آن، به هندیها نسبت داده شده، می‌توان استنباط کرد که حجاج هندی از

دیدم که آب از آن می‌جوشید و در بستر نهر کوچکی، تا مسافتی که کمتر از چهار یا پنج کیلومتر نبود، جاری می‌شد.

در نقاط متعددی از وادی و در دو کنارهٔ آن کوره‌های تولید زغال از چوبهای آن وادی مشاهده کردیم که بومیان در آن کار می‌کردند. کوره‌ها به صورت ابتدایی بود؛ گودال کوچکی که از دو متر در سه متر تجاوز نمی‌کند، چوبها را در آن می‌ریزند و روی آن را با علفهای خشک می‌پوشانند، کمی نفت به آن ریخته آتش می‌زنند، آنگاه گودال را با حلی مسدود می‌کنند، چوبها یک روز کامل می‌سوزد و تبدیل به زغال می‌شود. یک گونی بزرگ از آن زغالها را برای استفاده در منزل، به پنجاه ریال [سعودی] خریدیم. نماز ظهر را در مسجد سعدیه خواندیم و به لطف خداوند، ساعت چهار بعد از ظهر به سلامت به جده رسیدیم. لازم است اشاره کنم که سکنهٔ آن وادی از سمت یللم، قبیلهٔ فهم، و از سمت سعدیه، قبیلهٔ مجادله هستند.

نتایج مطالعات و مشاهدات عینی

نتایج مطالعات و بررسیهای عینی را می‌توان بدین گونه خلاصه کرد:

۱ - وادی یللم که از دامنهٔ کوه

آنجا عبور می‌کرده‌اند.

راه ساحلی کنونی داده است.

مؤید این معنا، مطلبی است که ضمن سخنرانی استاد حسن ابراهیم الفقیه، رئیس دانشکده شهر قنفذه آمده است. وی این سخنرانی را در آمفی تئاتر مرکز فرماندهی تسلیحات مرزی در قنفذه ایراد کرده و نشریه هفتگی «مدینه» که در جده منتشر می‌شود، در تاریخ ۲۳ رجب ۱۴۰۹ هـ. ق.، بخشهایی از آن را - با معرفی اصل بحث - با عنوان «قنفذه شهری است قدیمی که تاریخ آن به قرن هشتم هجری برمی‌گردد» چاپ کرده است. در این بحث آمده است:

چون راه کنونی یلملم تا سعدیه ۲۵ کیلومتر است، پس فاصله بین محل محاذی یلملم در جاده کنونی و کوه یلملم ۵۰ کیلومتر خواهد بود.

یکی دیگر از کسانی که اشاره کرده حجاج یمن از سعدیه محرم می‌شده‌اند، مورخ ترک، ایوب صبری پاشا است. وی در کتابش که توسط دکتر احمد فؤاد متولی و دکتر صفصافی احمد مرسی، بنام «مرآة جزيرة العرب» ترجمه شده، با عنوان: «آغاز حرکت قافله یمنی» می‌نویسد: «از سال ۹۶۳ هـ. ق. به بعد که فرمان و اجازه مربوط به حرکت دادن قافله حج، به نام وزیر مصطفی پاشا صادر شد، وی اقدام به تنظیم برنامه حرکت قافله محترم حج بنام قافله صنعای یمن می‌کرد. هنگام ورود این قافله به مکه مکرمه، مرحوم شریف حسن، در «برکه ماجن» به استقبال آن می‌آمد و قافله پس از مکه وارد مدینه می‌شد»

«برخی از اسناد تاریخی اثبات می‌کند که بندر شهر قنفذه، به صورت دروازه‌ای به سمت مکه مورد استفاده قرار می‌گرفته و حجاج جنوب جزیره العرب و حجاج جنوب شرق آسیا، به ویژه حجاج هندی از آن استفاده می‌کرده‌اند.»

وی سپس اضافه می‌کند: «قافله‌ها از «جیس» به سمت زبید حرکت می‌کنند و در منزل «المخا» که در جنوب منزل سابق قرار دارد، توقف می‌کنند آنگاه از زبید به سمت منزل رفع حرکت می‌کنند و پس از رفع، به ترتیب این منازل را طی می‌کنند:

شاید این که در کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة»، (ج ۱، ص ۶۴۰) آمده است که: «یلملم میقات اهل یمن و مردم هندوستان است» اشاره به همین سابقه تاریخی است. این سخن به آن معنا است که راه قدیمی یمن که از یلملم عبور می‌کرده نخست جای خود را به سعدیه، و سپس به

بیت العقبة الصغیرة، قطع، منصوریه، قلعة (فراوع)، غاغیه، بیت الفقیه الکبیر.

گاهی حاجیان صنعا را از راه منطقه سکونت قبائل حباب، طویله، بنی الخیاط و بنی الأهلیه حرکت کرده سپس از جاده عمومی به راه خود ادامه می دهند.

قافله‌هایی که از این دو راه حرکت می کنند، از بیت فقیه به سمت صعلب حرکت کرده و از صعلب به بعد به ترتیب این منازل را طی می کنند: دومه، حیوان، عالیه، ابو عریش، سلامه، ربیش، نماو، عتود، شفیق، ایبار، دهیان.

در اراضی دهیان درختانی که به «درخت مقل» معروفند دیده می شود. قافله‌ها پس از ترک منزل دهیان به منزل برکه می رسند که از آثار عمرو بن منصور، یکی از سلاطین بنی رسول است. سپس به سمت شفق حرکت و تا استراحتگاه قنونا به راه خود ادامه می دهند. این استراحتگاه در یک وادی پر آب قرار دارد و بنام «وادیین» نیز معروف است. قافله‌ها پس از ترک قنونا به منزل لیثه [= لیث] و سپس به منزل هضم می رسند که به فزونی آب شهرت دارد. آنگاه پا به منزل سعديه می گذارند که میقات مردم یمن است. منزل سعديه از پرآب ترین منازل محسوب می شود و تا

منزل یلملم هیجده میل فاصله دارد.^{۱۴}
۵ - آنچه که اکنون به ایستگاه پمپ بنزین میقات معروف است و در زمان ما میقات حجاج به شمار می رود، محاذی سعديه نیست اما ممکن است محاذی یلملم باشد؛ زیرا وادی پیچ می خورد. ایستگاه بعدی که به ایستگاه مجیرمه شهرت دارد، محاذی سعديه است و چون محاذی سعديه است، با یلملم نیز محاذی است اما ایستگاه پمپ بنزین طفیل با سعديه و یلملم محاذی است.

از آنجا که سعديه محاذی میقات است دولت عربستان در آن مسجدی برای احرام بنا کرده است اما چون حجاج یمنی مسیر خود را تغییر داده و از ایستگاه میقات محرم می شوند، دولت، مسجد را تعطیل کرده است.

یللم از دیدگاه احادیث

میقات بودن یلملم، در احادیث مربوط به میقاتهای پنجگانه ذکر شده است؛ نظیر احادیث یاد شده در زیر:

حدیث صحیح معاویه بن عمار از امام صادق - ع - : امام در این حدیث فرمود: باید در حج و عمره از میقاتهایی که رسول خدا معین کرده محرم شوی و بدون احرام،

یمن «قرن المنازل» معرفی شده است؛ مانند حدیثی که عبدالله بن جعفر در کتاب «قرب الاسناد» از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن محبوب از علی بن رئاب از امام صادق - ع - نقل کرده است. وی می‌گوید: از امام صادق - ع - درباره میقاتهایی که پیامبر برای مردم مقرر کرده، پرسیدم فرمود: رسول خدا برای اهل مدینه ذوالحلیفه را، که همان شجره است، میقات قرار داد و برای اهل شام جحفه را، برای اهل یمن قرن المنازل را و برای اهل نجد عقیق را.^{۱۸}

راه جمع بین این دو دسته از روایات درباره میقات اهل یمن این است که بگوییم: در احادیثی که در آنها میقات اهل یمن، یلملم معرفی شده، مقصود میقات کسانی از اهل یمن است که از راه تهامه (راه ساحلی کنونی و راه اول از راههای سه گانه که قبلاً از مناسک حربی نقل کردیم) سفر کنند.

اما احادیثی که میقات اهل یمن را قرن المنازل معرفی کرده، مقصود، میقات کسانی است که در حرکت از یمن، از دو راه دیگر که از قرن المنازل عبور می‌کند (راه صنعاء - صعده و راه حضرموت - نجران) یا از هر راه دیگر که از طائف عبور می‌کند،

از آنها عبور نکنی. پیامبر برای اهل عراق - که آن روز عراق نبود^{۱۵} - بطن عقیق از سمت اهل عراق را میقات معین کرد و برای اهل یمن یلملم، برای اهل طائف قرن المنازل، برای اهل مغرب جحفه (مهیعه) و برای اهل مدینه ذوالحلیفه را میقات قرار داد و هر کس که منزلش بین این میقاتها و مکه است، میقات او منزل خود او است.^{۱۶}

در حدیث حلبی است (از نظر سند حسن است) که امام صادق - ع - فرمود: احرام باید از میقاتهای پنجگانه‌ای که پیامبر مقرر فرموده انجام گیرد و در حج و عمره، نباید پیش از آنها یا بعد از آنها محرم شد. پیامبر برای اهل مدینه ذوالحلیفه را که همان مسجد شجره است میقات قرار داد. حاجی در آن مسجد نماز می‌خواند و سپس حج را آغاز می‌کند. همچنین پیامبر برای اهل شام، جحفه، برای مردم نجد عقیق، برای اهل طائف قرن المنازل و برای اهل یمن، یلملم را میقات قرار داد. هیچ کس نباید میقاتهای تعیین شده توسط پیامبر را نادیده بگیرد.^{۱۷}

فقهای ما با این دو حدیث شریف و امثال اینها بر میقات بودن یلملم و صحت احرام از آن جا استدلال کرده‌اند.

در برخی از احادیث، میقات مردم



که از راه یمن عازم حج می‌شوند، یللم است.

ابن بزّاج در «المهذب» می‌گوید: یللم میقات اهل یمن و میقات کسانی است که از راه آنها عازم حج می‌شوند.

ابن ادريس در «سرائر» می‌گوید: [پیامبر اسلام] برای اهل یمن کوهی را میقات قرار داد که یللم یا لملم نامیده می‌شود.

ابن ابی الفضل در «الإشارة» می‌گوید: ...یا یللم که به یمنیها و کسانی که از سمت آنها حرکت کنند، اختصاص دارد.

ابن حمزه در «الوسیله» می‌گوید: چهارم، میقات اهل یمن است که عبارت است از یللم.

علامه در «القواعد» و آل عصفور در «الابتهاج» می‌گویند: در یمن کوهی است که یللم نامیده می‌شود.

و شهید در «اللمعه» می‌گوید: یللم میقات اهل یمن است.^{۱۹}

در کتاب «الهدایه» (فتاوی شیخ یوسف بحرانی) آمده است: یللم میقات اهل یمن و کسانی است که با آنان در یک منطقه قرار دارند.

یزدی در «العروة» می‌گوید: میقات چهارم یللم است که مربوط به اهل یمن است.

سفر کنند. بدین ترتیب این دو دسته احادیث، شامل تمام راههایی می‌شود که در زمان پیامبر اسلام یا در قرون بعدی تا زمان ما، از یمن به مکه منتهی می‌شده و می‌شود.

یللم از نظر فقه

فقه‌های ما به استناد احادیثی که گذشت و امثال آنها، به میقات بودن یللم و صحت احرام از آن جا فتوا داده‌اند و در این باره در میان آنها اختلافی نیست عبارتهای فقه‌ها در این باره، برخی مطلق و برخی مقید است؛ اینک نمونه‌هایی از فتاوا:

در کتاب «المقنعه» و «الهدایه» تألیف صدوق و در «نهایه» و «الجمل» تألیف شیخ طوسی و در «شرایع» تألیف محقق آمده است: میقات اهل یمن یللم است. یللم، هم میقات اهل یمن و هم میقات حجاجی است که از راه آنها عبور می‌کنند.

همچنین در «الجمل» تألیف سید مرتضی و «الکافی» تألیف ابن الصلاح و «المراسم» تألیف سلّار و «الجامع» تألیف ابن سعید آمده است: میقات اهل یمن یللم است.

در «الإصباح» صهرشتی و «الغنیه» تألیف ابن زهره آمده است: میقات کسانی

این فتاوا را با این طول و تفصیل به این خاطر نقل کردیم که نکته مهمی را تذکر بدهیم و آن نکته این است که همه فقها، میقات اهل یمن را منحصر به یلملم کرده‌اند در حالی که - چنانکه در روایات گذشته دیدیم - چنین نیست؛ زیرا یمن راه‌های دیگری نیز دارد که از یلملم عبور نمی‌کند بلکه از طریق طائف می‌گذرد که قرن المنازل یا وادی محاذی قرن المنازل در آن جا قرار دارد.

از آنجا که معمولاً فتاوا به این منظور منتشر می‌شود که مقلد، طبق آن عمل کند، لازم است مفتی، نخست راه‌های یمن و منازل بین آن و مکه را بشناسد و سپس در پرتو آن فتوا بدهد. بنابراین بهتر است در مقام فتوا چنین گفته شود: «یلملم میقات کسانی است که از یمن، از راه تهامه (یاراه ساحلی) عازم حج می‌شوند، چه اهل یمن باشند یا تهامه یا هر جای دیگر»

البته مطلق گویی در بیان فتوا که نقل کردیم منحصر به فقهای امامیه نیست بلکه برخی از کتابهای فقهی اهل سنت نیز که در دسترس این نگارنده است، در این جهت با کتابهای فقهی ما مشترک است که اینک چند نمونه از آن را می‌آوریم:

در «المحلی» تألیف ابن حزم (ج ۷،

[آیت الله] حکیم در «المنهاج» می‌گوید: میقات پنجم یلملم است که میقات اهل یمن و میقات آن دسته از مردم مناطق دیگر است که از راه آنها عازم حج می‌شوند. خیزی در «المنهاج» می‌گوید: یلملم میقات اهل یمن است.

[آیت الله] خویی در «المناسک» می‌گوید: میقات چهارم یلملم است و آن میقات کسانی است که از طریق یمن عازم حج می‌شوند.

[شهید] صدر در «الموجز» می‌گوید: میقات چهارم یلملم است و آن، یکی از کوههای تهامه است. گفته می‌شود که فاصله آن تا مکه ۹۴ کیلومتر است.

در «رساله» آقای خاقانی آمده است: میقات چهارم یلملم است و آن میقات اهل یمن است، و هرکس که از طریق یلملم عازم حج شود بر او واجب است از آنجا محرم شود. این میقات تا مکه ۹۴ کیلومتر فاصله دارد.

در «مناسک» [آیت الله] گلپایگانی آمده است: میقات چهارم یلملم است و آن، یکی از کوههای تهامه است. و تا مکه تقریباً ۹۴ کیلومتر فاصله دارد و میقات اهل یمن و میقات مردم مناطقی است که از آن مسیر عازم حج می‌شوند.^{۲۰}

جهت به راههای منتهی به مکه از دیگران آگاهتر بوده است.

او در کتاب «الأمم» می‌گوید: این که در حدیث آمده است: «اهل مدینه از ذوالحلیفه محرم می‌شوند» به این جهت است که آنها وقتی از محل خود حرکت می‌کنند، ذوالحلیفه سرراه آنها است و نخستین میقاتی است که از آن می‌گذرند.

همچنین آنجا که آمده است: «اهل شام از جحفه محرم می‌شوند» به این جهت است که آنها وقتی که از محل خود حرکت می‌کنند، جحفه سر راه آنهاست و نخستین میقات است که از آن عبور می‌کنند. مدینه و جحفه راه آنها نیست مگر آن که از آن طریق سفر کنند.

در مورد اهل نجد و یمن نیز همین گونه است؛ یعنی آنها نیز وقتی از محل خود حرکت کردند به نخستین میقات که رسیدند باید از آن محرم شوند. در مورد اهل نجد و یمن نکته دیگری نیز هست و آن این است که آنها وقتی که از قرن المنازل عبور می‌کنند و راهشان از آنجا است، میقاتشان قرن المنازل است و ملزم نیستند از یلملم محرم شوند. یلملم میقات مردم مناطق پست و دزهای یمن است که راهشان از یلملم است.^{۲۱}

ص ۷۰) چنین آمده است: میقات کسانی که از طریق یمن عازم حج هستند - چه از یمن باشند و چه از جای دیگر - یلملم است که در جنوب مکه قرار دارد و از آن جا تا مکه سی میل فاصله است.

در «الروض المربع» تألیف بهوتی آمده است: میقات اهل یمن یلملم است و بین آن و مکه دو شب راه است.

در کتاب «الفرقه علی المذاهب الأربعة» (ج ۱، ص ۶۱۰) آمده است:

میقات اهل یمن وهند و یلملم - با فتنه دو لام وسکون میم در بین دو لام - است و آن، یکی از کوههای تهامه است که تا مکه دو منزل راه است.

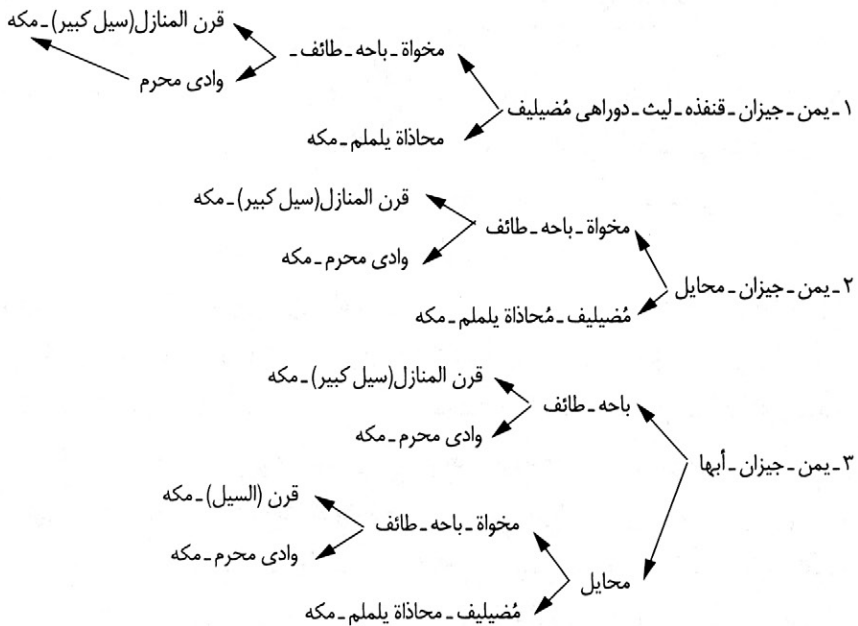
در کتاب «فقه السنه» تألیف سید سابق آمده است: میقات اهل یمن یلملم است که کوهی است در جنوب مکه، و بین آن و مکه ۵۴ کیلومتر فاصله است.

در کتاب «التحقیق والإيضاح» تألیف «ابن باز» آمده است: میقات چهارم یلملم است که میقات اهل یمن می‌باشد.

تنها استثناء در این زمینه شافعی است که به این نکته توجه داشته و عبارت او کاملاً مطلب را می‌رساند و شامل همه راههای یمن است. شاید علت دقت او آن باشد که وی اهل مکه بوده و به همین

کنونی را ذکر می‌کردند. فاصله کنونی بین مکه مکرمه و بین محلی که محاذی کوه یلملم، واقع در مرکز یلملم (وَدیان) است، حدود ۵۰ کیلومتر است. به همین جهت در پایان این بحث راههای کنونی یمن و تهمامه را که به مکه منتهی می‌شود، ترسیم می‌کنیم تا مورد استفاده فقهای بزرگوار در مقام افتاء قرار گیرد. این راهها بدین گونه است:

نکته قابل ذکر دیگر این که: فاصله بین یلملم و مکه که در برخی از مناسک، ۵۴ یا ۹۴ کیلومتر معرفی شده، با راه کنونی بین این دو، تطبیق نمی‌کند بلکه این فاصله، مربوط به راه قدیمی است که قبل از متروک شدن یلملم مستقیماً از آن عبور می‌کرده است. چون مناسک و کتب فقهی که این مسافتها در آنها ذکر شده، متعلق به فقهای معاصر است، خوب بود مسافت



● پی نوشتها:

- ۱ - صفة جزيرة العرب، ص ۳۲۶
- ۲ - المجمع، ج ۴، ص ۹۴۳ - ۹۴۴
- ۳ - معجم مقایس اللغة، ج ۶ ص ۱۶۰
- ۴ - معجم ما استعجم من اسماء البلدان والمواقع، ج ۱، ص ۱۸۷



- ۵- همان، ج ۱، ص ۱۳۹۸
- ۶- صفة جزيرة العرب، ص ۳۲۶
- ۷- در این جا و در چند مورد از این نوشته به ابیاتی از شعرای عذب استشهد شده لیکن چون در فارسی کار بردی ندارد، در ترجمه حذف گردید. همچنین ابیاتی که در آخر مقاله به عنوان «انعکاس یلملم» در ابیات عرب نقل شده، حذف گردید. - مترجم
- ۸- معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۴۱
- ۹- معجم معالم الحجاز، ج ۱۰، ص ۲۸- ۲۹
- ۱۰- همان، ص ۲۹، بخش اخیر مطالب بلادی، عیناً همان سخنان یاقوت است که اندکی جلوتر نقل کردیم اما نمی دانم چرا بلادی به مأخذ آن اشاره نکرده است؟! مؤلف.
- ۱۱- این چاه علی، سلطان باعظمت هند، محمد علی خان است که خداوند بر او رحمت کند و درود خداوند بر محمد و خاندان او باد. سال ۷۱۱
- ۱۲- وعره به معنای بلندی و صعب العبور بودن است و شاید این کوه را به همین مناسبت به این نام خوانده‌اند.
- ۱۳- وی در کتاب صفة جزيرة العرب، ص ۳۴۱ چنین می گوید: مسیر حجاج از صنعا تا مکه از طریق تهامه، به این ترتیب است: صنعا، صلیت (از بون)، مؤید، دامنه عرقه و اخرف، صرجه، رأس الشقیقه، حرض، خصوف (از سرزمین حکم)، بحر، عثر، بیض، زنیف، ضنکان، معقد، حکى، جو، جوبینه، (ازقنونا) که قناته نامیده می شود، دوفه که متعلق به عبدین (از بازماندگان جرهم) است، سرین، معجر، خیال، یلملم، ملک، مکه. این راه ساحلی است.
- مسیر قدیمی حجاج، از بلندیهای حلی علیا عبور می کند که خلیه نامیده می شود و سپس از طریق عثم ولیث به یلملم منتهی می گردد. (این بخش از سخنان همدانی در اصل مقاله، جزء متن است و توسط مترجم به پاورقی انتقال یافته است).
- ۱۴- مرآة جزيرة العرب، ج ۲، ص ۲۴۶
- ۱۵- یعنی هنوز مردم عراق مسلمان نشده بودند - مترجم.
- ۱۶- وسایل الشیعه، باب یک از ابواب میقاتها.
- ۱۷- وسایل الشیعه، باب یک از ابواب میقاتها.
- ۱۸- همان.
- ۱۹- رجوع شود به مجموعه حج از نینایع الفقهیه، به کوشش علی اصغر مروارید، چاپ اول، سال ۱۴۰۶ ه. ق.
- ۲۰- شماره صفحات مناسک و کتابهای فقهی مورد استناد در این مقاله را از این جهت ذکر نکردیم که فصل مربوط به این بحث یعنی فصل میقاتها، در آنها مشخص است.
- ۲۱- الأم، ج ۱، ص ۱۵۲- ۱۵۳